



مردم از مسئولان می خواهند یک بار برای همیشه به معضل آبیاری زمین های کشاورزی با فاضلاب توسط سودجویان پایان دهند

۵۰۴

کِشت مرگ شغل آن ها است

عکس: فهیمه فرخی / شهرآرا

بانوان کارآفرین بازارچه مسجدالرضا(ع) در محله شهید بسکابادی، قصه های شنیدنی دارند

شنبه هایی به رنگ زندگی

۶



ساکنان خیابان محمدآباد

۳

با مشکلی جدی دست و پنجه نرم می کنند

صحنه تکراری دیدن موش ها

بافنده محله پورسینا، حیاط خانه اش را تبدیل به کارگاه

۷

قالی بافی و برای ۸ زن اشتغال زایی کرده است

ایده زیبای زیبا خانم

شما می‌توانید اخبار کوچه و خیابان خود را به شماره ۰۹۱۵۹۱۳۱۳۲۵ در پیام‌رسان ایتا بفرستید.



● ○ نخبگان محله پای کار بازگشایی معبر

نخستین جلسه رسمی «کارگروه اتاق فکر فرهیختگان محله شهید آوینی» برگزار شد. این مجموعه که با ایده رئیس شورای اجتماعی این محله تأسیس شده است، هفته گذشته رسماً آغاز به کار کرد. قرار است این کارگروه مسیر تعامل بین نود نفر شامل نخبگان و اعضای شورای اجتماعی محله، روحانیون مساجد، مدیران مدارس، نماینده کلاتری و بسیج را هموار کند. مهم‌ترین مسئله پیش روی این کارگروه، بازگشایی و تعریض ابتدای معبر شهید شفیعی است که در دست بررسی قرار گرفته است.



● ○ پاتوق رفیقانه برای دختران محله

عطائی طرح پاتوق رفیقانه ویژه دختران محله امیرالمؤمنین (ع) با هدف آموزش و هم‌افزایی و همچنین تقویت روحیه نشاط اجتماعی از دهه کرامت آغاز شده است و تا دهه ولایت برگزار می‌شود. هفته گذشته این برنامه با همکاری هیئت منتظران ظهور در حسینیه بی‌بی کلاته برگزار شد. در این دورهمی سی نفر از دختران نوجوان محله، تجربه‌هایشان را درباره مشکلات و راه برخورد با آن‌ها به خصوص درباره امنیت تردد، حجاب و دیگر مسائل به اشتراک گذاشتند.

● ○ «نقا»، قهرمان جام کرامت

هفته پیش مسابقات فوتسال دهه کرامت مشهد با قهرمانی تیم نقا از محله شهید آوینی به پایان رسید. در این مسابقات ۲۴ تیم از سراسر مشهد در ده امید به رقابت پرداختند و تیم نقا با ۱۰ بازیکن، پس از هفت مسابقه بر سکوی ایستاد. از این تیم ۱۰ نفره ۶ بازیکن ساکن گلشهر و دو بازیکن ساکن منطقه ۶ شهری هستند.



● ○ اجتماع بزرگ سادات محله

دهه ولایت امسال در محله مهرآباد متفاوت خواهد بود. در جلساتی با حضور اعضای شورای اجتماعی این محله و ائمه جماعت مساجد، برنامه‌های ویژه‌ای برای دهه ولایت تصویب شد. اجتماع بزرگ سادات محله به منظور پاسداشت جایگاه سادات و تقویت همدلی در محله برگزار خواهد شد. کارت دعوت این مراسم در منزل سادات محله به دستشان خواهد رسید. همچنین تکریم پیروان سادات ساکن محله و قدردانی از پدران شهید سلطان‌زاده و اسماعیلی از دیگر برنامه‌های در دست اجراست.



ملک سرراه مانده خیابان عبادت که مانع تعریض معبر بود، سرانجام تخریب شد

نفس کشیدن یک خیابان

عطائی اینچم شهر یورماه سال گذشته بود که طی گزارشی با عنوان «مخروبه‌هایی وسط خیابان» به مشکل قدیمی ساکنان خیابان عبادت محله مهرآباد پرداختیم و شهردار منطقه برای آن قول داد. چند مغازه متروکه و تخریب نشده انتهای خیابان عبادت، یادگار دورانی است که این معبر، کوچه بوده است. بیشتر املاک هم راستا با این مغازه‌های باقی مانده، در سال‌های گذشته از سوی شهرداری خریداری شده و یک به یک تخریب و مسیر آسفالت شده است. اما این چند مغازه مانده‌اند. یکی از این مغازه‌ها که مانع دید رانندگان و باعث عرض کم معبر شده بود، چند روز پیش بادیستور قضایی تخریب و از سر راه مردم برداشته شد تا معبر تعریض و رفاه شهروندان تأمین شود.



پیشرفت ۷۰ درصدی سوله شهید اسماعیل پور

عملیات احداث سوله چند منظوره مدیریت بحران شهید اسماعیل پور واقع در خیابان شهید اسماعیل پور ۲۴، با هفتاد درصد پیشرفت فیزیکی و با هدف کاهش خسارت‌های حوادث غیر مترقبه در دست اجراست. این پروژه با اعتبار ۱۷ میلیارد تومان از سال ۱۴۰۰ آغاز شده است و پیش‌بینی می‌شود شهریور امسال به بهره‌برداری برسد.

انواع سد معبر ممنوع

طی یک ماه گذشته با همکاری پلیس راهور، ۴۵ خودرو پارک شده در معابر عمومی از جمله پیاده‌روها اعمال قانون شد. انواع سد معبر مانند دست‌فروشی، بساط گسترانی، پارک خودرو در پیاده‌روها به استناد ماده ۵۵ قانون شهرداری تخلف محسوب می‌شود و شهرداری ملزم به برخورد با این نوع از سد معبر است.

تخریب ۴ بنای خطرناک

در راستای برخورد با تخلفات ساختمانی و به منظور ملزم کردن سازندگان بنابه رعایت اصول صحیح شهرسازی، طی یک ماه گذشته و بادیستور قضایی، چهار مورد برش اسکلت غیر مجاز صورت گرفت. در همین راستا طی اردیبهشت، دوازده مورد جمع‌آوری لوازم و آهن آلات ساختمانی نیز به ثبت رسید.

هر چیزی می افتند..»

● خسارت و خرابی جوندگان

کاظم جهانگیری که در همین خیابان، مغازه تعمیر لوازم خانگی دارد، خودش تا حالا دست کم هفت هشت موش را گرفته است. می گوید: همین چند روز پیش، وارد مغازه شدم و دیدم سیم کشی ماشین لباسشویی که برای تعمیر آورده بودند، کامل جویده شده است. کلی خسارت زدند. همه چیز را می خورند و به هیچ وسیله ای رحم نمی کنند!

او می گوید که بارها با کمک دیگر کاسبان سعی کرده اند درزها و شکاف های مغازه ها را ببندند، اما فایده ای نداشته است: «هر قدر هم که راه ها را ببندی، باز پیدایشان می شود. انگار بلدند از کجا باید وارد شوند.»

سعید عین اللهی، یکی دیگر از ساکنان محله، دلیل اصلی این وضعیت را به پروژه لوله گذاری جمع آوری آب های سطحی ربط می دهد: «از وقتی لوله گذاری برای جمع آوری آب های سطحی شروع شد، این مشکل بیشتر شده است. قبلا موش ها آن طرف کال بودند. اما حالا که کار به وسط خیابان رسیده، راهشان به محله باز شده است. کاش اصلا این پروژه را شروع نمی کردند.»

● جدیت بیشتر در روند تله گذاری برای موش ها

رئیس ناحیه یک شهرداری منطقه ۶ مشهد، در گفت و گو با شهرآرامحله توضیح می دهد که پروژه لوله گذاری برای جمع آوری آب های سطحی، به درخواست خود مردم اجرا شده است و ارتباطی با افزایش جمعیت موش ها ندارد. به گفته او معضل موش ها بیشتر به فاضلاب های خانگی مرتبط است و در فصل گرما به طور طبیعی تعدادشان بیشتر می شود. احسان مهراد صدر تأکید می کند: مردم تصور می کنند افزایش موش ها به این پروژه مربوط است، در حالی که منشأ اصلی آن چیز دیگری است.

رئیس ناحیه یک همچنین می گوید که شهرداری به طور منظم در معابر محله تله گذاری و سم پاشی انجام می دهد، اما مقاومت موش ها در برابر سموم بیشتر شده است. با این حال، با توجه به اعتراض های مردمی، شهرداری تصمیم دارد روند تله گذاری و مبارزه با موش ها را با جدیت بیشتری پیگیری کند.



● دیدن زندگی عادی موش ها

می گویند محدوده محمدآباد ۲۳ تا ۳۱، محل اصلی رفت و آمد موش ها است. چند دقیقه ای کنار جوی آب این محدوده می ایستم و وضعیت را زیر نظر می گیرم. هنوز چند دقیقه بیشتر نگذشته

که موش کوچکی خودش را نشان می دهد، در حال وررفتن باتکه ای زباله. بعد هم ناپدید می شود.

حسن رجایی، یکی از کاسبان این خیابان، می گوید که دیدن چنین صحنه هایی برای مردم عادی شده است: «این موش ها آن قدر بزرگ شده اند که گربه ها هم ازشان می ترسند، چه برسد به آدم ها! همین چند روز پیش، موش پای دختر یکی از همسایه ها را در خانه گاز گرفته بود.»

رجایی به درخت های توت محله هم اشاره می کند: درخت هایی که برگ هایشان خورده شده است و بعضی حتی خشک شده اند؛ «هر چیزی را می جویند. ریشه درخت ها را هم از بین می برند و به جان

ساکنان خیابان محمدآباد
با مشکلی جدی دست و پنجه نرم می کنند

صحنه تکراری دیدن موش ها

نیکو عقیده | دیگر دیدن رفت و آمد موش ها در خیابان محمدآباد چیز عجیبی نیست. فرقی نمی کند صبح باشد یا شب؛ کافی است چند دقیقه کنار خیابان بایستی تا یکی از آن ها را ببینی که از داخل جوی آب بیرون می پرد و بی هراس در کوچه و خیابان می دود. ساکنان این محله حالا چند ماه است که بیشتر از گذشته با حضور بی وقفه موش ها درگیرند: موش هایی که راهشان را به خانه ها، انباری ها و حتی مغازه ها باز کرده اند.

بعضی از اهالی می گویند دیگر نمی توانند با خیال راحت، پنجره ای باز بگذارند یا شب ها در حیاط بنشینند. ترس از بیماری، خراب شدن وسایل خانه و به طور کلی وجود این موش ها، زندگی روزمره را برای خیلی از اهالی محمدآباد سخت کرده است.



این موش ها آن قدر بزرگ شده اند که گربه ها هم ازشان می ترسند. چه برسد به آدم ها! همین چند روز پیش، موش پای دختر یکی از همسایه ها را در خانه گاز گرفته بود

اولویت درخواست ها، آسفالت ولکه گیری معابر

نیکو عقیده | هفته گذشته، حسین بنایی منش، شهردار منطقه ۶ و امین تفضلی، رئیس اداره عمران، حمل و نقل و ترافیک شهرداری این منطقه، در مرکز ارتباط مردمی ۱۳۷ پای تماس های مردمی نشستند. بنایی منش در این مدت به تماس ها پاسخ گفت و پیگیری لازم را برای رفع مسائل و مشکلات مطرح شده انجام داد.



تعداد پیام های مردمی

۱۷ تماس

درخواست های مربوط به حوزه فضای سبز

سه تماس شهروندی مربوط به فضای سبز در خیابان ارونند ۴۳، محله کارمندان دوم و خیابان شهید فاطمیون ۱۵ در محله مصلی بود که درخواست آبیاری فضای سبز و رسیدگی به وضعیت درخت ها را داشتند.

درخواست های مربوط به آسفالت و لکه گیری

در این برنامه، چهار شهروند از خیابان ارونند ۴۳، بولوار شهید رستمی، خیابان چهنو (شهید صدوقی ۵) و خیابان شیروودی، درخواست روکش و ترمیم آسفالت داشتند.

درخواست های مربوط به خدمات شهری

از بین تماس ها چهار مورد به حوزه خدمات شهری مربوط بود و شهروندان مشکلات رفت و روب و سدمعبر در خیابان ارونند ۲۹، مصلی ۱۵ و شیروودی ۶ را مطرح کردند.

درخواست های مربوط به حوزه نظارت بر ساخت و سازها

شهروندی از محله مصطفی خمینی ۳۰ از ساخت و ساز غیرمجاز در این محله شکایت داشت.

شهردار محله پیگیری می کند

شهردار محله موضوع سدمعبر در محله مصلی را در شماره های آینده پیگیری می کند.

محله های پرتماس

اروند و شیروودی

مردم از مسئولان می‌خواهند یک بار برای همیشه به معضل آبیاری زمین‌های کشاورزی با فاضلاب توسط سودجویان پایان دهند

کشت مرگ شغل آن‌هاست



داستان جلد

سیدمحمد عطائی از زمین‌های واقع در انتهای محدوده گلشهر در سال‌های اخیر به محلی برای فعالیت‌های غیرقانونی و غیربهداشتی تبدیل شده‌اند. تا چند دهه پیش، در حوالی روستاهای پاوا، عیش آباد و نوک‌ارین، زمین‌های کشاورزی سرسبز و درختان توت پربار می‌دیدید و هوای مطبوع جریان داشت. اما امروز، آب زلال کال قره‌خان به پسابی ناسالم، کم‌حجم و بدبو بدل شده‌است. متأسفانه برخی کشاورزان، به صورت مخفیانه و با استفاده از پمپ‌های کف‌کش، این آب آلوده را برای آبیاری محصولات خود استفاده می‌کنند؛ کاری که سلامت محصولات و مردم را به خطر می‌اندازد.

شرکت آب منطقه‌ای، زمین‌های مجاور کال را پاک‌سازی کرده‌است و اجازه کشت و زرع در آن‌ها را نمی‌دهد، اما متأسفانه این مناطق به محل دپوی زباله و نخاله‌های ساختمانی تبدیل شده‌اند. افراد مختلف، از شهروندان عادی گرفته تا برخی کارگاه‌های ضایعاتی، زباله‌های خود را در این مناطق رها می‌کنند و حتی آن‌ها را می‌سوزانند که این موضوع باعث آلودگی بیشتر و افزایش مشکلات زیست‌محیطی شده‌است.

بخش دیگری از نگرانی‌ها مربوط به تخلیه فاضلاب انسانی در این زمین‌هاست؛ اقدامی که برخی کشاورزان و رانندگان خودروهای تخلیه فاضلاب با هدف افزایش محصول، بدون توجه به پیامدهای بهداشتی انجام می‌دهند و سلامت جامعه را به خطر می‌اندازند.

[۳] سودی کثیف و غیراخلاقی

تخلیه فاضلاب انسانی گاهی در داخل زمین‌های کشاورزی و گاهی در حاشیه مسیرهای خاکی انجام می‌شود. اهالی معتقدند که باید نیروهای انتظامی، بسیج، شرکت آب منطقه‌ای و شهرداری با همکاری یکدیگر با متخلفان به طور جدی برخورد کنند. حمیدرضارسانی، فعال رسانه و بسیج گلشهر، می‌گوید: زمانی که خودروهای حمل فاضلاب مخازن خود را در این مناطق خالی می‌کنند، در واقع در هزینه‌ها صرفه جویی کرده‌اند و می‌توانند سریع‌تر به نقاط دیگر بروند. باید باین افراد برخورد قانونی صورت گیرد. او ادامه می‌دهد: تلاش‌های پیشین برای مقابله با این معضل اشاره می‌کند: دو سال پیش این موضوع را به صورت جدی پیگیری کردیم، بهداشت، موضوع را به معاونت پیشگیری از جرم قوه قضائیه ارجاع داد و نتیجه آن، برخورد فوری با متخلفان بود که چند خودرو توقیف شد. اما این روند باید ادامه یابد. اکنون تنها پایگاه بسیج شهید کاوه در گشت‌های خود تا حدی مانع تخلیه زباله و نخاله در حاشیه کال قره‌خان می‌شود.

[۴] نخاله، زباله و آتش‌سوزی‌های مکرر

ربانی به موضوع رها سازی زباله و نخاله در محدوده کال قره‌خان نیز اشاره می‌کند: معضلی که هم‌زمان با آبیاری ناسالم مزارع، تهدید دیگری برای محیط زیست و سلامت مردم به شمار می‌رود. علی سرحسابی در این باره می‌گوید: حدود شش سال پیش، شرکت آب منطقه‌ای خراسان اعلام کرد که قصد دارد برای کال قره‌خان حریم تعیین کند. لودرها آمدند و دو طرف کال را مسطح کردند تا دیگر در آن کشاورزی انجام نشود. اما در همان زمان، بخشی از زمین‌های مجاور را به کشاورزان اجاره دادند. حالا همین زمین‌های بدون کاربری، به محل دپوی زباله شهری و نخاله ساختمانی تبدیل شده‌است.

در میان زباله‌ها، انواع پسماند دیده می‌شود: از تکه پارچه‌ها و ظروف یک بار مصرف گرفته تا سرنگ‌های مصرف شده و شیشه‌های شکسته. این زباله‌ها که توسط کارگاه‌های تولیدی و پیمانکاران دولتی و گاه از طریق کارگاه‌های تفکیک زباله در این‌جا رها شده یا سوزانده می‌شود، ربانی می‌گوید: دود حاصل از این آتش‌سوزی‌ها که از چند گاهی آسمان منطقه را سیاه می‌کند و موجب آزار و نگرانی ساکنان می‌شود، در حاشیه مسیرهای منتهی به روستاهای حلوایی و کریم‌آباد، تپه‌هایی از نخاله‌های ساختمانی دیده می‌شود که به طور غیرقانونی تخلیه شده‌اند. حسین گوهری، فعال اجتماعی روستای نوک‌ارین، در این باره می‌گوید: بر اساس قوانین، این نخاله‌ها باید در گودال‌های مشخص در حوالی شترک تخلیه شوند. اما برخی رانندگان برای صرفه جویی در هزینه، آن‌ها را در حاشیه مسیرهای خاکی تخلیه می‌کنند.

[۵] مصائب هم‌نشینی با انبارهای ضایعات

هاشم دامنش از ساکنان نزدیک خیابان شهید آوینی ۶۱، یکی دیگر از عوامل نابسامانی این محدوده را وجود انبارهای ضایعات فلزی می‌داند. او می‌گوید: در این انبارها، جمعیت زیادی از موش‌ها و سگ‌ها زندگی می‌کنند و سروصدای شبانه آن‌ها آسایش ساکنان را سلب کرده‌است. الهام سلجوقی، یکی دیگر از ساکنان منطقه، از آلودگی صوتی ناشی از فعالیت این انبارها گلایه دارد و می‌گوید: در این انبارها، آهن آلات را می‌کوبند و تکه‌تکه می‌کنند. گاهی در و پنجره‌های قدیمی را در زمین مقابل می‌شکنند و قطعات شیشه‌ای را همان‌جا رها می‌کنند که خطرات بسیاری دارد.

[۱] بوی تعفن در مزارع کشاورزی

قرارمان کنار کال قره‌خان در انتهای گلشهر است؛ جایی که چند مسیر خاکی این منطقه را به روستاهای پاوا، عیش آباد، کریم آباد، حلوایی و نوک‌ارین متصل می‌کند. چند تن از فعالان فرهنگی و اجتماعی این مناطق گرد هم آمده‌اند تا درباره مشکلات بهداشتی و محیط زیستی موجود گفت‌وگو کنند. مهم‌ترین مسئله، آبیاری زمین‌های کشاورزی با آب فاضلاب است؛ عملی که خطرات جدی برای سلامت جامعه به دنبال دارد و متأسفانه به روایی تکراری تبدیل شده‌است. علی سرحسابی، رئیس شورای روستای پاوا، با نگرانی وضعیت فعلی را این گونه توصیف می‌کند: روستای ما سال‌ها پیش به درختان توت قدیمی اش معروف بود و در فصل بهار، افراد بسیاری از نقاط مختلف شهر برای چیدن توت به اینجا می‌آمدند. اما اکنون به دلیل بوی نامطبوعی که در منطقه پیچیده، کمتر کسی حاضر است پایش را اینجا بگذارد. او ادامه می‌دهد: بوی تعفن، ناشی از تخلیه فاضلاب انسانی در زمین‌های کشاورزی است. حدود ۱۰ دستگاه خودرو و تخلیه فاضلاب در این محدوده فعالیت دارند که مخازن خود را شبانه و بدون رعایت موازین بهداشتی در این زمین‌ها خالی می‌کنند. این افراد در واقع همسایه ما هستند؛ ساکنان روستاهای پاوا، عیش آباد، نوک‌ارین و گلشهر ما بارها این موضوع را به مراجع قانونی گزارش داده‌ایم، اما پاسخ این بوده که تنها در صورت ثبت شماره پلاک خودروهای توان اقدام کرد. اما متأسفانه بسیاری از این خودروها پلاک ندارند یا پلاکشان را مخدوش می‌کنند.

[۲] پساب صنعتی بای گیاهان خوراکی

قر با نعلی خسروی، یکی از ساکنان روستای پاوا، از گذشته‌های نه چندان دور، این موضوع را به یاد می‌آورد: زمانی که کشاورزان حتی پول می‌دادند تا خودروهای حمل فاضلاب بیایند و بار خود را در زمین‌های کشاورزی تخلیه کنند، خیلی از آن‌ها اعتقاد داشتند کود انسانی باعث تقویت گیاهان و افزایش محصول می‌شود. درباره آب کال قره‌خان نیز همین طور؛ این روند سال‌هاست که ادامه دارد و با وجود آلودگی شدید آب کال، همچنان از این پساب‌ها برای رشد سبزیجات و محصولات استفاده می‌شود. او اضافه می‌کند: آب کال قره‌خان بسیار آلوده و بد بوست و به سختی می‌توان آن را آب نامید؛ اما متأسفانه برخی کشاورزان شبانه با استفاده از پمپ و کف‌کش، این آب آلوده را به مزارع خود منتقل می‌کنند.



سلامتی مردم فدای پول درآوردن

محمد رضا فیضی

دبیر شهرآرامحله مناطق ۳ و ۴

ظهر از نیمه گذشته و هوا گرم است. خورشید مستقیم بر زمین می تابد. به همراه دهبیار روستای پاوا و چند نفر از اهالی، از خیابان شهید آوینی به سمت شهید آوینی ۵۹ حرکت می کنیم. گفت وگوها کوتاه است و چهره ها جدی. چند دقیقه ای که جلوی روییم، منظره ای دوگانه پیش چشممان ظاهر می شود: یک سمت خانه های مسکونی محله شهید آوینی، و سمت دیگر زمین های کشاورزی روستای پاوا. به مقصد نزدیک می شویم. هدفمان بررسی زمین های کشاورزی است که گفته شده است با فاضلاب خام آبیاری می شوند. بوی نامطبوع از فاصله ای نه چندان دور به مشام می رسد. به محل تخلیه فاضلاب می رسیم. صحنه ای تکان دهنده است. دقایقی پیش، یک کامیون، فاضلاب انسانی را مستقیم درون مزرعه گندم تخلیه کرده است. زمین، هنوز خیس است و رد فصولات انسانی به وضوح دیده می شود. بوی تعفن چنان شدید است که بیشتر ماندن غیرممکن به نظر می رسد. به سرعت سوار خودرو می شویم و کمی از محل فاصله می گیریم. مشغول مشورت با همراهان هستیم

که یکی از آن ها با نگرانی خبر می دهد: «کامیون دیگری در حال نزدیک شدن به زمین های کشاورزی است و قصد تخلیه دارد».
بادقت، کامیون را از دور زیر نظر می گیریم. راننده سراسیمه به گندمزار نزدیک می شود. تصمیم می گیریم به سمت او برویم. شاید بتوانیم شماره پلاکش را ثبت کنیم. به کامیون نزدیک تر می شویم، اما چیز عجیبی می بینیم. کامیون هیچ پلاکی ندارد؛ نه جلو و نه عقب آن. راننده از قبل برای ناشناس ماندن برنامه ریزی کرده است. شیر تخلیه کامیون باز است. جریان سیاه رنگ فاضلاب به سرعت از پشت ماشین جاری می شود و از طریق یک جوی کوچک، مستقیم به دل زمین های گندم می رود. بوی تند فاضلاب در فضا پیچیده است. کامیون بدون پلاک در حال دور شدن از محل است. و ما با ناباوری به مزرعه ای نگاه می کنیم که اکنون آلوده به فصولات انسانی شده است. در همین لحظه، آقای گوهری، یکی از اهالی محله و از معتمدان منطقه نوکاریز، رشته کلام را به دست می گیرد. نگاهش نگران است و پیداست که این صحنه برای او تازگی ندارد. آقای گوهری بالحنی گلایه آمیز می گوید: این کار امروز و دیروز نیست. تخلیه فاضلاب انسانی در زمین های کشاورزی که بیشتر صیفی جات در

آن ها کشت می شود، مدتی است که به یک رویه تبدیل شده. معمولاً کامیون ها مسیرهایی را انتخاب می کنند که در آن، تردد کم است و مردم رفت و آمد نمی کنند. او ادامه می دهد: هر شب، حدود چهار پنج کامیون از انتهای خیابان شهید آوینی و کوچه های شهید حکیمی عبور می کنند و فاضلاب را در چند قدمی خانه های مردم، داخل زمین های کشاورزی تخلیه می کنند. ما چند بار اعتراض کردیم، ولی راننده ها می گویند خود کشاورزها این درخواست را دارند. فکر می کنند با فاضلاب محصولاتشان سریع تر رشد می کند و محصول بیشتری را کاسب می شوند.

صدای گوهری آرام اما محکم است: «ما این کار را خیانت می دانیم. این محصول ها بعد اوارد بازار می شود و سفره مردم می رود. واقعا سلامت جامعه مهم تر است یا سود بیشتر؟ باید یک بار برای همیشه دستگاه های مسئول به این معضل پایان بدهند. سکوتی کوتاه بین همراهان می افتد. نگاه ها به هم گره می خورد. انگار همه در ذهن خود به این سؤال فکر می کنند: چند نفر باید بیمار شوند تا این اتفاق متوقف شود؟

یکی از شهروندان خیابان شهید آوینی ۵۹ که نمی خواهد نامی از او برده شود، در گفت وگو با ما از ماجرای

نگران کننده پرده برمی دارد: «برخی کشاورزان از همان ابتدای فصل، هنگام بذرپاشی به اینجامی آیند و پس از آن تا زمان برداشت محصول، دیگر خبری از آن ها نیست. در این مدت، با برخی از رانندگان تا نگرهای فاضلاب تماس می گیرند و از آن ها می خواهند فاضلاب خام را مستقیم داخل زمین های کشاورزی تخلیه کنند تا رشد محصول سریع تر شود.»

یکی دیگر از شهروندان پس از آنکه متوجه می شود موضوع گزارش در باره فاضلاب است، تلفنی به ما می گوید: «اغلب افرادی که در این محدوده اقدام به تخلیه فاضلاب می کنند، بومی هستند و با کشاورزان ارتباط دارند. معمولاً دو روز یا بیشتر مانده به زمان آبیاری محصولات کشاورزی، کشاورز با راننده های کامیون های حمل فاضلاب تماس می گیرد و از آن ها می خواهد که در مسیر جوی های آب، اقدام به تخلیه فاضلاب کنند تا هم زمان با آب دهی، فصولات انسانی به داخل زمین ها هدایت شود.»



خط قرمز ما سلامت مردم

محمد اسماعیل عندلیب

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی

در دبداری با سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی درباره نحوه برخورد با متخلفان این محدوده جوی می شویم.

محمد اسماعیل عندلیب می گوید: در ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی به صراحت، این گونه اعمال جرم محسوب شده و برای آن مجازات تعیین شده است. در این ماده آمده: «هر اقدامی که علیه بهداشت عمومی شناخته شود، از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی و توزیع آن، دفع غیر بهداشتی فصولات انسانی و دامی و مواد زائد و... استفاده غیرمجاز از فاضلاب خام یا پساب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع است و مرتکبین تا یک سال حبس دارند.»
چه کسی که فاضلاب را می ریزد و چه کسی که از زمین بهره برداری می کند، و نیز افراد سودجویی که با پمپ مشغول کشیدن آب آلوده کال قره خان به داخل زمین کشاورزی شان هستند، متخلف و مشمول ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی هستند.

عندلیب ادامه می دهد: کسانی که فاضلاب را در زمین های غیر و نه تصفیه خانه تخلیه می کنند،

به دنبال صرفه و صلاح خودشان هستند و با این کار در سوخت و زمان صرفه جویی می کنند. از طرفی گاهی در ازای ریختن فاضلاب در زمین کشاورزی، پولی هم دریافت می کنند. این سودجویان، سلامت جامعه را در خطر قرار می دهند و سلامت جامعه خط قرمز همه مسئولان و از جمله دستگاه قضایی است. به همین دلیل به کلانتری های محدوده گلشهر و پنجتن اعلام کردیم که گشتی هادر ساعات مختلف به محل تخلف این خودروها مراجعه کنند و به محض مشاهده متخلفان، خودروها به پارکینگ منتقل شود و خاطیان بازداشت شوند. البته از مردم هم تقاضا داریم که به محض رؤیت این تخلفات به نیروی انتظامی و دستگاه قضا گزارش بدهند و حتی نیاز به اعلام نامشان نیست و در صورتی که پلاک خودرو قابل مشاهده بود، شماره آن را اعلام کنند. مخدوش کردن یا جدا کردن پلاک هم جرم جداگانه ای است.

سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی درباره زباله ریزی و تخلیه نخاله در این محدوده می گوید: از شهرداری می خواهیم جدیت بیشتری داشته باشد و گزارش هایش در این زمینه بیشتر و دقیق تر باشد.

پیگیری های مکرر و بی حاصل

عباسعلی اسماعیلی

رئیس مرکز بهداشت شماره ۲ مشهد

عباسعلی اسماعیلی، رئیس مرکز بهداشت شماره دو در گفت وگو با شهرآرامحله به پیگیری چندین ساله این معضل اشاره می کند و می گوید: مادر این مرکز بهداشت، زمان آغاز و پایان کشت در این زمین ها را مشخص کردیم و حسب آن، مکاتباتی با مسئولان قضایی انجام دادیم. به عنوان نمونه پایان فصل تابستان سال گذشته باسید هادی شریعت یار، معاون حفظ حقوق

عامه و پیشگیری از جرم دادستانی مرکز استان خراسان رضوی، مکاتبه و درباره استفاده از فاضلاب تانکری در زمین های مزروعی توسط اجاره کاران زمین های این محدوده که عمدتاً از مهاجران افغانستانی هستند، درخواست رسیدگی کردیم. آقای شریعت یار به بخشرداری ها و دهیارها دستور دادند که این زمین ها به مهاجران اجاره داده نشود. همچنین دستوری به سازمان حمل و نقل و بار درون شهری و نیروی انتظامی دادند که خودرو متخلفان را توقیف کنند. البته ماهنوز

پاسخی در این باره، دریافت نکرده ایم.

اسماعیلی ادامه می دهد: او آخر سال گذشته نیز با پیگیری بسیج محدوده انتهای گلشهر، با فرمانداری و معاونت قضایی دادگستری استان و سرپرست مجتمع قضایی شهید بهشتی مکاتبه کردیم. ما حاصل آن پیگیری، دستوری کتبی به کلانتری گلشهر بود. حتی محل توقف خودروهای خاطی تخلیه فاضلاب و شماره پلاک خودروهایشان را کتبا به دستگاه قضایی و سازمان حمل و نقل و بار درون شهری اعلام کردیم

و دستور توقیف خودروهایی را گرفتیم اما تاکنون کسی به مرکز ما مراجعه نکرده است که درخواست رفع توقیف داشته باشد.

او درباره خطرات بسیار زیاد آبیاری با فاضلاب انسانی هشدار می دهد و می گوید: استفاده از فاضلاب انسانی خام می تواند باعث آلودگی چندین ساله خاک شود که حتی پس از چندین سال آبیاری سالم از بین نمی رود؛ علاوه بر این شیوع بیماری های انگلی، انواع سرطان و حتی و بارادری خواهد داشت.

بانوان کارآفرین بازارچه مسجدالرضا (ع) در محله شهید بسکابادی، قصه‌های شنیدنی دارند

شنبه‌هایی به رنگ زندگی



راه تجربه

نیکو عقیده بازارچه بانوان کارآفرین محله شهید بسکابادی قصه‌ای شنیدنی دارد: نه فقط به خاطر محصولات متنوعش، بلکه به خاطر زنانی که اینجا کنار هم ایستاده‌اند؛ بانوانی که نیامده‌اند فقط چیزی بفروشند و بروند. آن‌ها در این بستر، فضایی برای باهم بودن، همکاری و دوستی ایجاد کرده‌اند. فقط شش هفته از راه اندازی این بازارچه در مسجدالرضا (ع) گذشته، اما ارتباط عمیقی بین خانم‌ها شکل گرفته است؛ به طوری که شناخت خوبی از هم پیدا کرده‌اند. زمان گفت و گو حرف یکدیگر را کامل می‌کنند. معلوم است که حساسی درگیر مسائل و دغدغه‌های زندگی هم شده‌اند. اینجا هر غرغه، قصه‌ای دارد. یکی شمع درست می‌کند تا خرج دیالیز هر ماهش را در بیاورد و دیگری مهاجری است که جایی برای فروش نداشته و حالا به این بازارچه پناه آورده است.

دوره‌های گرم و صمیمانه

هر شنبه، از ۹ صبح تا ۶ عصر، زیر سقف مسجدالرضا (ع) جمع می‌شوند؛ هر کدام با محصولی در دست و امیدی در دل. بنر بازارچه بانوان کارآفرین بر سر در مسجد آویزان است. از حیاط عبور می‌کنم و وارد بخش بانوان می‌شوم. از همان بیرون، صدای خنده‌ها و شوخی‌هایشان شنیده می‌شود؛ صدایی گرم و زنده که بیشتر حس یک دوره‌های زنانه را دارد تا یک بازارچه معمولی. حالا ظهر شده و رفت و آمد کمتر است. فروشنده‌ها که از صبح مشغول بوده‌اند، فرصتی پیدا کرده‌اند کمی کنار هم بنشینند و گپ بزنند. چند میز در حاشیه مسجد دیده می‌شود و بعضی‌ها هم بساطشان را روی زمین چیده‌اند. شمع، گیره، دست‌بند، ادویه جات، عروسک‌های بافتنی و محصولات متنوعی اینجا پیدا می‌شود. اما هیچ کدام شبیه کارهای بازاری نیست. همه شان بوی دست و دل صاحبانشان را دارند. زهرافوقی دست از همه زودتر به استقبال می‌آید. رفتارش طوری است که انگار سرگروه این جمع خودمانی محسوب می‌شود. همان اول کار توضیح می‌دهد که بازارچه به همت اعضای شورای اجتماعی محله راه افتاده است. راه افتادنش، آن طور که می‌گوید، آسان نبوده است؛ خیلی رفتیم و آمدمیم تا بالاخره هیئت امنای شش نفره فضای مسجد را در اختیارمان بگذارند. حالا بعد از همه آن دوندگی‌ها، یازده نفر از زنان محله، هر هفته محصولاتشان را اینجا به فروش می‌گذارند.

نامید نشدیم

زهرخانم متولد ۱۳۶۰ است، پنج فرزند قد و نیم قد دارد و برای کمک به همسرش، بیرون از منزل کارهای مختلف انجام می‌دهد. ساکن خیابان حر ۴۹ است و در این بازارچه محصولات ارگانیک می‌فروشد؛ از حنا گرفته تا دمنوش و روغن‌های گیاهی. خودش تولیدکننده نیست و بیشتر مسئول فروش است. تجربه چند ساله‌اش در شرکت‌های بازاریابی حالا هم به کمک خودش آمده است. هم به کمک بقیه زن‌ها. خانم‌های بازارچه می‌گویند خیلی چیزها از زهرایا گرفته‌اند؛ به ویژه

حتی برای مهاجران

داستان نسرين، برای زنان این بازارچه روایتی از امید، مقاومت و ادامه دادن است، حتی وقتی زندگی سخت می‌گیرد. نسرين برای کم‌نیار شدن، دستاویزهایی دارد که شاید از بیرون، ساده به نظر برسد اما برای خودش، چیزهایی هستند که او را به زندگی وصل کرده‌اند. یکی از آن‌ها، کاغذی است که کنار میزش روی دیوار چسبانده؛ روی آن آیه‌ای از قرآن رانوشته که معنایش می‌شود: «همانا خداوند به هر که بخواهد، بی حساب روزی می‌دهد.» حکیمه خادمی می‌گوید هر شنبه که به اینجا می‌آید، چشمش به این کاغذ می‌افتد و دلش قرص می‌شود. می‌گوید: همین آیه به من یادآوری می‌کند که فقط باید به خدا توکل کنم. هر چه صلاح باشد، خودش می‌رساند.

حکیمه یکی از تازه‌واردهای بازارچه است. یکی دو هفته بیشتر نیست که به جمعشان اضافه شده و حالا گیره روستری و گل سرهای دست‌ساز می‌فروشد. پیش از این، در یکشنبه بازار شهرک شهید باهنر بساطی می‌کرده، اما آنجا، به خاطر مهاجر بودن، کار برایش سخت می‌شود؛ آن قدر سخت که مجبور می‌شود غرغه‌اش را جمع کند. زهرخانم که همسایه‌اش است، وقتی از ماجرا با خبر می‌شود، به او پیشنهاد می‌دهد که به این بازارچه بیاید؛ اینجا فضای امن‌تر است و خانم‌ها هوای هم را دارند.

امید به آینده

با همه این حال و هوای خوب و این همراهی دلگرم‌کننده، بازارچه هنوز کمبودهایی دارد. بعضی از غرغه‌ها راه می‌نمایند و وسایلشان را روی زمین می‌چینند و امکانات محدود است. اما استقبال خانم‌ها، فروشنده‌ها را امیدوارتر کرده است. زن‌هایی که برای نماز به مسجد می‌آیند، حالا مشتری‌های ثابت بازارچه شده‌اند. می‌چرخند، خرید می‌کنند. گپی می‌زنند و از غرغه‌ها دارا حمایت می‌کنند. انگار این بازارچه، بهانه‌ای شده برای آشنایی و همدلی بیشتر زن‌های محله. خانم‌های بازارچه چشم به آینده دارند. دلشان می‌خواهد روزی یک فضای مستقل و بزرگ داشته باشند و زنان بیشتری کنار آن‌ها به درآمد برسند.

درباره فروش و برخورد با مشتری، یکی‌شان می‌گوید که «زهرخانم بلد است چطور مشتری را نگه دارد. به ما هم یاد می‌دهد». خودش اما با تواضع سر تکان می‌دهد و فقط لبخند می‌زند. وقتی از روزهای اول بازارچه می‌پرسم، تعریف می‌کند: هفته اول فقط چهار نفر بودیم. فروشان آن قدر کم بود که باید برای اجاره میزها از جیب خودمان هم پول می‌گذاشتیم. ولی ناامید نشدیم. باهم تصمیم می‌گیرند تراکت چاپ کنند. هر کدام کمی پول می‌گذارند، تراکت‌ها را در مغازه‌ها و نانوائی‌های محله پخش می‌کنند. زهرای می‌گوید: از هفته سوم کم‌کم فروشنده‌های دیگر هم اضافه شدند. حالا که نگاه می‌کنم، هر هفته یک قدم جلوتر هستیم. مشتری هم بیشتر شد. حال و هوای بازارچه هم گرم‌تر.

حال خوب کنار دوستان

مریم بلونه یکی از اولین زن‌هایی است که به جمع بازارچه اضافه شد. چشم‌های خسته‌اش درد همیشگی‌اش را نشان می‌دهد اما همچنان لبخند بر لب دارد. او سال‌هاست که درگیر بیماری کلیوی است. حدود یک سال پیش، برای تأمین هزینه دیالیز و دارو و درمان، در دوره شمع‌سازی شرکت و کم‌کم کارش را شروع کرد. حالا اما شمع‌سازی فقط راهی برای درآمد نیست و بخشی از زندگی‌اش شده. می‌گوید: وقتی شمع می‌سازم یا اینجا با خانم‌ها صحبت می‌کنم، دردم را فراموش می‌کنم. نسرين گلستانی هم قصه‌ای شبیه قصه مریم دارد. سال‌ها با سرطان جنگیده است و دو بار زیر تیغ جراحی رفته؛ تومور مغزی، شیمی‌درمانی، روزهای سخت و... اما حالا سر حال و امیدوار، پشت یکی از میزهای بازارچه نشسته است و لبخند می‌زند. سال‌ها در مسجد جامع محله، بدون دریافت هیچ هزینه‌ای، برای بانوان خیاطی تدریس می‌کرده است. حالا در همین بازارچه ادویه، ترشی و دست‌بند‌های دست‌ساز می‌فروشد و همه را خودش درست می‌کند. با صدایی آرام می‌گوید: چیزی که من را نجات داد، کار و هنر بود؛ ساعت‌ها من را مشغول نگه می‌داشت، وگرنه من زودتر از این‌ها مرده بودم. وقتی این جمله‌رامی‌گوید، حلقه‌ای از اشک در چشم‌هایش می‌نشیند. مریم آرام جلومی‌آید و او را در آغوش می‌گیرد.





با فندده محله پورسینا، حیاط خانه اش را تبدیل به کارگاه قالی بافی و برای ۸ زن اشتغال زایی کرده است

ایده زیبای زیبا خانم



دیدار آشنا

چهار نفر از زنان محله که قبلا شاگرد کلاس هایش بودند، کم کم برای کار آمدند. حالا دارهای قالی کل حیاط را گرفته اند؛ جایی که قبلا باغچه کوچکی گوشه اش بود و یکی دو گلدان شمعدانی کنار دیوار، حالا پر شده از نخ های رنگی و صدای آرام شانه زدن روی دار.

● اشتغال زایی برای بانوان محله

کار در کارگاه از صبح سحر شروع می شود. زیبا خانم می گوید که از نماز صبح تا نماز مغرب، صدای شانه زدن نخ در حیاط می پیچد. خودش هم مثل همیشه مشغول بافتن است. روزهایی هست که از شدت خستگی دست هایش یاری نمی کنند، اما باز هم می نشینند و روبه روی دار، با خنده ای می گوید: اگر یک روز دستم به دار نخورد،

نیکو عقیده ارج به رج تارهای زندگی اش را از قبل بافتن قالی های کوچک و بزرگ بافته است. بالا و پایین های زیادی را در زندگی تجربه کرده، اما قالی بافی همیشه جزو جدایی ناپذیر زندگی اش بوده است؛ هنری که باعث شده بهانه ای برای جنگیدن و ادامه دادن داشته باشد.

در اولین روز اسفند ماه سال ۱۴۰۱ با زیبا بخشی گفت و گو کردیم. در فرهنگ سرای امت، قالی بافی را آموزش می داد و همان جا اتاق کوچکی در اختیارش گذاشته بودند تا بتواند دار قالی اش را برپا کند و ببافد. حالا که دوباره به سراغش رفته ایم، برایمان تعریف می کند که وقتی قراردادش سر سال به پایان رسید، دیگر جایی برای ماندن نداشت. اما ناامید نشد و حیاط کوچک خانه اش را تبدیل به کارگاه کرد. اینجا حالا هشت خانم زیر نظرش قالی می بافند.

● تبدیل حیاط به کارگاه

زیبا در فرهنگ سرای امت، برای حدود پنجاه نفر کلاس رایگان آموزش قالی بافی برگزار می کرد، ولی حالا باید دارش را می زد زیر بغلش و از آنجا می رفت. او می گوید: خانه ام کوچک بود و نور نداشت. اصلا جایی برای اینکه دار قالی را ببرم داخل خانه نبود. مانده بودم چه کنم. درست همان روزها، پیش نهاد ساده ای از طرف یکی از همسایه ها، راهی جلو پیش گذاشت؛ اینکه حیاط خانه را تبدیل به کارگاه کند. ایده ای که شاید اول ساده به نظر می رسید، اما بعدها شد نقطه عطفی در مسیر کاری او.



● رؤیای کارگاهی بزرگ تر

زیبا خانم بخشی حالا به فکر گسترش کارش است. حیاط خانه اش دیگر جواب گوی دارهای قالی و با فنده های تازه وارد نیست. او در تلاش است کارگاهی بزرگ تر اجاره کند و زنان بیشتری را مشغول به کار کند؛ زنانی که بعضی هایشان تنها به یک فرصت نیاز دارند تا دوباره روی پای خودشان بایستند. کار او حالا فقط قالی بافی نیست؛ گره زدن زندگی های دیگران به امید است، باستانی که هنوز خسته نشده اند.

نوجوان رزمی کار محله ثامن طی ۲ سال گذشته
۲ بار روی سکوی قهرمانی ایستاده است

آینده بر مدار ورزش



امید محله

● رشته های رزمی چه تأثیری روی زندگی و افکار ت گذاشته است؟

شاید اولین تأثیری که در ذهن یک دختر علاقه مند به ورزش رزمی می گذرد، این است که می تواند از خودش دفاع کند؛ ولی به جز آن حالا اعتماد به نفس و حال بهتری دارم.

● در رشته کاراته چطور؟ چه افتخاری کسب کرده ای؟

در مسابقات کاراته کشوری که چند ماه پیش در مشهد برگزار شد، توانستم مقام دوم را کسب کنم.

● تجربه مسابقات کشوری مازندران کجا به دردت خورد؟
در مسابقات اخیر اعتماد به نفس خوبی داشتم، اما همین موضوع باعث شد حریفم را دست کم بگیرم و به مدال طلا نرسم.

● هدف ت برای آینده رشته ورزشی ات چیست؟

در حال حاضر تمرکز و تمرینم بیشتر روی یک بوکسینگ است. دلم می خواهد در این رشته به بالاترین سطح برسم و در آینده مربیگری کنم.

● معمولا ورزشکاران رؤیای قهرمانی دارند و کمتر پیش می آید به فکر مربیگری بيفتند. حالا چرا دنبال مربیگری هستی؟

مربی من، خانم نرگس فدایی، آن قدر اخلاق خوبی دارد که می خواهم مثل او مربی مهربان و با اخلاقی بشوم و به دختران دیگر آموزش دهم. تجربه این دو سال ورزش رزمی آن قدر خوب بوده است که دلم می خواهد در دانشگاه هم تربیت بدنی بخوانم.

● مهم ترین افتخاری که کسب کرده ای، چه بوده است؟

سال گذشته در اولین مسابقات کشوری حضور داشتم. این مسابقات به میزبانی استان مازندران و در رشته یک بوکسینگ برگزار شد و توانستم مقام دوم را در رده سنی نوجوانان و در وزن مثبت ۴۵ کیلو کسب کنم.

● اولین مسابقات کشوری چطور بود؟

قبل از آن مسابقاتی برای انتخابی داشتیم، اما سابقه در سطح کشوری استرس زیادی داشت. آنجا با چهار نفر رقابت کردم و به مقام دوم رسیدم. آخرین حریف با تجربه تر بود و در دیگر مسابقات کشوری هم شرکت کرده بود. برای همین آرام و با تمرکز رقابت می کرد. علاوه بر این، آن دختر مازندرانی بود و آن ها میزبان مسابقات بودند.



عطائی با انگیزه و عاشق مبارزه است.

مهلا سربلندی، دانش آموز کلاس نهم، ورزشکار خوش آتیه رشته های کاراته و یک بوکسینگ است؛ زیرا در دو سال گذشته، با تمرین و انگیزه زیاد توانسته است دو مدال نقره کشوری به دست آورد. همه آرزوهای مهلا به ورزش ختم می شود. از قهرمانی جهان تا مربیگری یک بوکسینگ و حتی تحصیل در رشته تربیت بدنی. این رزمی کار نوجوان محله ثامن نمی خواهد هیچ جوهره از این ورزش دل بکند.

● از چه زمانی به ورزش رزمی علاقه مند شدی؟

از حدود ده سالگی با دیدن فیلم های رزمی و اکشن به ورزش رزمی علاقه مند شدم. چند سالی دنبال باشگاه و مربی خوب در محله بودم تا اینکه دو سال پیش، یکی از دوستانم در باشگاه یک بوکسینگ ثبت نام و آنجا را به من هم معرفی کرد.

● در کدام یک از دو رشته ورزشی که کار می کنی، موفق تر هستی؟

کاراته و یک بوکسینگ عملا یک رشته هستند و ضرباتشان یکی است؛ تنها تفاوتشان در سبک مبارزه است. کاراته بیشتر با ضربات پا و یک بوکس با ضربات دست انجام می شود. من در هر دو رشته خوب عمل می کنم، ولی در یک بوکسینگ با تجربه تر هستم.



مهدی‌آباد، رضائیه، سجادیه، حسین‌آباد، مهرآباد، امیرالمؤمنین^(ع)، نیزه، شهید آوینی، ثامن، کوی سلمان، جلالیه

محلات منطقه‌ها

چهنو، مصلی، کارمندان اول، کارمندان دوم، شهید آقامصطفی خمینی، شیرین، امیرآباد، شهید معقول، کشاورز، پورسینا، ارونند، انصار، شهید باهنر، شهید بسکابادی، شهید شیروودی، شهید رستمی، کوی ۲۲ بهمن، کنه‌یست، شهید رجایی



حسینیة هیئت ابوالفضلای روستای ابراهیم‌آباد
بردسکن که در کوچه شهید رحیمی ۱۲ قرار دارد دارای
قدمت ۲۵ ساله است. بسیاری از مراسم مذهبی ساکنان
کوچه در این حسینیة برگزار می‌شود.



بوستان حکمت که در حاشیه این کوچه قرار
دارد، فضایی مناسب برای دورهمی ساکنان است.
از امکانات این بوستان می‌توان به وسایل بازی،
وسایل ورزشی و سرویس بهداشتی اشاره کرد.

کوچه کاروان عاشورا

عطائی‌ا کوچه شهید رحیمی ۱۲ در محله حسین‌آباد یکی از معابر اصلی این محدوده است که از راسته
معبر اصلی شهید رحیمی آغاز می‌شود و به خیابان شهید خشنودی می‌رسد؛ کوچه‌ای که در هر مراسم
مذهبی و آیینی، آذین‌بندی یا سیاه‌پوش می‌شود. ساکنان اولیه این کوچه چند خانواده نیشابوری
بودند و به همین دلیل به اینجا کوچه «نیشابوری‌های حسین‌آباد کرمانی‌ها» می‌گفتند. ابتدای این
کوچه از چند دهه قبل مسکونی بوده است، ولی انتهای آن، باغ‌های انگور قرار داشت.



منزل پدری یاسدار شهید رضا دهقان نیز
در کوچه بن‌بست شهید دهقان ۱۲/۲ قرار دارد.
او در بیست و دو سالگی در منطقه ماووت به
شهادت رسید.

هیئت جان‌نثاران شاهزاده علی‌اکبر^(ع)، از
هیئت‌های معروف منطقه، در این کوچه قرار دارد
و هر ساله در ایام محرم و صفر، نمایش کاروان پیاده
عاشورا و خیمه‌سوزان را برپا می‌کند. حسن مرادی،
مسئول این هیئت، همراه جوانان مشتاق، در هر مراسم
مذهبی، کوچه را سیاه‌پوش یا آذین‌بندی می‌کند.



خانواده شهید عباس فرجی از ساکنان قدیمی این
معبر هستند. محمد رضا فرجی، پدر شهید، می‌گوید:
پسرم سال ۱۳۶۷ زمانی که فقط شانزده سال داشت،
به عنوان داوطلب بسیجی به جبهه رفت و در منطقه
با ختران به شهادت رسید.